

انقلاب اسلامی و محدودیت‌های بازتاب در اندونزی

منصوره حسین پور^{*۱}
علی باقری دولت‌آبادی^۲

چکیده

هر انقلابی تأثیرات کم و بیش منطقه‌ای و بین‌المللی دارد و برای ایجاد عمق استراتژیک خود، پیامی را عرضه می‌کند. هرچه پیام انقلاب پر جاذبه‌تر باشد، انسان‌های بیشتری به پذیرش و الگوپذیری از آن روی می‌آورند. انقلاب ایران این پیام را به دنیا عرضه می‌کند که بسیج‌کننده‌ترین ایدئولوژی‌ها اسلام است و بر اساس این پیام پیروزی انقلاب ایران، زمینه‌ساز تحولات گسترده‌ای در میان مسلمانان جهان بوده و بسیاری از نظام‌های سیاسی و جناح‌ها و احزاب اسلامی در کشورهای همجوار و دور، از آن تأثیر پذیرفته‌اند. انقلاب ایران در واقع با احیای تفکر اسلام و اسلام سیاسی به‌عنوان یکی از رخدادهای مهم در قرن بیستم تلقی می‌شود. هدف از نگارش این مقاله علت‌یابی بازتاب محدود انقلاب اسلامی ایران در کشور اندونزی براساس نظریه پخش و با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای جهت گردآوری اطلاعات است. بنابراین در این مقاله سعی گردیده است با کاربری نظریه پخش هاگراسترنند به این سؤال پاسخ داده شود «چرا بازتاب انقلاب اسلامی ایران در کشور اندونزی محدود بوده است» و فرضیه‌ی «وجود مشکلاتی از جمله وجود دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به جریان صدور انقلاب و قدرت‌یابی نظامیان در مبدأ و مقصد پخش یعنی ایران و اندونزی مانع گسترش افکار و اندیشه‌های انقلاب شده است» در پاسخ مطرح می‌شود. یافته‌های برآمده از پژوهش مذکور این بوده، با توجه به مشکلاتی که در ابتدای انقلاب اسلامی در دو کشور وجود داشته است جمهوری اسلامی به تدریج سیاست صدور انقلاب به اندونزی را کنار گذاشته و به سمت گسترش روابط اقتصادی با این کشور رفته است.

کلیدواژه‌ها: بازتاب انقلاب، انقلاب ایران، نظریه پخش، جنوب شرق آسیا، اندونزی، اهل سنت.

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه یاسوج (نویسنده مسئول)

Email: hmansuore@yahoo.com

۲- دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

Email: abagheri@yu.ac.ir

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در زمره‌ی یکی از بزرگترین رخداد‌های قرن بیستم است که علاوه بر تغییرات بنیادین در نظام سیاسی و جامعه ایران، در فراسوی مرزها نیز حرکت کرد و الهام بخش مسلمانان در کشورهای مختلف شد (کامران و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۱). این انقلاب توانست ضمن طرح اسلام به‌عنوان نیرویی قدرتمند در جهان مدرن، بر نظریه‌ی پایان دوره‌ی دین، خط بطلان بکشد و رهیافت‌های متفکران غربی در جدایی دین از سیاست را که به‌طور عموم تحت تأثیر تجارب غربی قرار داشت، به چالش بکشد. انقلاب اسلامی در عصری با نیروی محرکه و تحول‌زای ارزش‌های دینی به پیروزی رسید که آن را عصر پایان دین و باورهای دینی می‌نامیدند و دین را به جوامع ابتدایی بشر نسبت می‌دادند. با انقلاب اسلامی ایران دین به عنصری تعیین‌کننده در حوزه‌ی عمومی زندگی انسان از جمله جامعه و سیاست تبدیل شد و جنبه‌های معنوی و ربانی وارد زندگی روزمره، اجتماعی و سیاسی شد. اسلام توانست هم از جنبه‌ی نظری و هم از بُعد عملی عینیت یابد و ظهور و تجلی و مصداق بیرونی و خارجی پیدا کند (خرمشاد، ۱۳۸۷: ۴۷).

انقلاب ایران با توجه به ماهیتی که مبتنی بر دین جهان شمول اسلام است، در پی صدور مفاهیم و ارزش‌های خود به جهان خارج می‌باشد. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، کشورهای همجوار و منطقه‌ای خاورمیانه و جهان اسلام به‌طور خاص و جهان به‌طور عام تحت تأثیر عظمت این رخداد قرار گرفتند. ابداعات سیاسی و فرهنگی ایران همچون هر نوآوری دیگر به شدت برای مسلمان جذاب بود. وقوع انقلاب اسلامی در ایران باعث شد که ایران کانون پخش و تراوش حکومت دینی به مقصد کشورهای اسلامی و احزاب و جنبش‌های مردمی مسلمان گردد و باعث مجموعه‌ای از تأثیرپذیری‌های غیرارادی در مسلمانان شود و در سایه اسلام سیاسی، افراد، مراسم‌ها، مناسبات‌ها، سازمان‌های انقلابی و طیف متنوع و وسیعی از انواع تأثیرات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در رهبران و روشنفکران دینی از طریق پخش جابجایی، سرایتی و سلسله‌مراتبی به‌وجود آورد (رحمانی، ۱۳۹۱: ۲۱۷).

یکی از مناطق اسلامی که انقلاب ایران در آنجا نمود داشت کشور اندونزی بود. کشوری که به لحاظ مذهبی کثرت‌گرا است. کثرت‌گرایی مذهبی اندونزی عمدتاً در داخل خود جامعه مسلمان دیده می‌شود تقریباً ۹۰ درصد اندونزیایی‌ها مسلمان سنی هستند و بقیه مسیحی، هندو، آئیمیست و بودایی‌اند. در میان مسلمانان این کشور تقریباً شیعه وجود ندارد. احیای اسلامی در جنوب شرقی آسیا در طول سه دهه گذشته تحول یافته است؛ اگرچه حتی پیش از جنگ جهانی دوم سوابق مشهودی به‌ویژه در هند شرقی هلند (اندونزی فعلی) وجود داشت. این افزایش نفوذ اسلام را طیفی از عوامل بومی تسهیل کرده است؛ عواملی چون نارضایتی از راه‌حل‌های غیر مذهبی غربی برای مشکلات اجتماعی و سیاسی، امتناع از آنچه جنبه‌های نامطلوب نظام‌های ارزشی مدرن غرب تلقی می‌شود؛ احساس هر چه بیشتر غرور و هویت در میان مسلمانان که با اهمیت یافتن بیش از پیش دنیای اسلام در امور اقتصادی و سیاسی جهان زمینه

مساعدی یافت و بسط تلاش گروه‌ها و حکومت‌های مسلمان خارجی برای گسترش ایمان مذهبی، احیای اسلام به طرق متنوعی در اندونزی متجلی شده؛ از نشانه‌های آشکار این حجاب بسیاری از زنان؛ توجه هرچه بیشتر عموم مردم و نخبگان سیاسی به نماز، روزه و سایر عبادات اسلامی؛ برنامه‌های مذهبی بیشتر در تلویزیون؛ استناد به اسلام در سخنرانی‌های سیاستمداران و مشارکت بیشتر در سازمان‌های اسلامی بین‌المللی است. باید تأیید کرد در حالی که این پدیده‌ها در جامعه اسلامی اندونزی مشهود است، رهبری سیاسی بر آن بوده است تا از نقش محوری اسلام در سیاست داخلی و امور خارجی بکاهد (اسپوزیتو، ۱۳۸۶: ۲۴۴).

انقلاب ایران با وجود اینکه بیشترین تأثیر بر جنبش‌های شیعی منطقه‌ی خاورمیانه گذاشت ولی در جنوب شرق آسیا و طور خاص در کشور اندونزی بعد از گذشت چند دهه از انقلاب ایران، شاهد تأثیرپذیری شگرفی از مردم و احزاب این کشور از انقلاب ایران نبوده‌ایم. بنابراین در این پژوهش ما با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به دنبال علت‌یابی، علل و عناصر این عدم تأثیرپذیری بوده‌ایم. در نهایت با توجه به مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته توسط نویسندگان این مقاله، وجود مشکلاتی در مبدأ و مقصد پخش یعنی ایران و اندونزی، علت اصلی عدم گسترش افکار و اندیشه‌های انقلاب در کشور اندونزی می‌باشد.

پیشینه‌ی پژوهش

اسموک (۲۰۰۵) در پژوهشی تحت عنوان «اعمال اصول اسلامی در قرن بیست و یکم نیجریه، ایران و اندونزی»، به نحوه‌ی تطبیق و توضیح مسائل مهم معاصر از جمله عدالت، حقوق بشر، حاکمیت قانون، تکثرگرایی و دموکراسی با شریعت اسلام، توسط اندیشمندان مسلمان در سه کشور نیجریه، ایران و اندونزی پرداخته است.

سلطانی نژاد (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان «سیاست نگاه به شرق و مناسبات ایران و کشورهای جنوب شرق آسیا ۱۳۹۲-۱۳۸۱»، به افزایش ناگهانی روابط اقتصادی و تجاری بین ایران و کشورهای جنوب شرقی آسیا از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ و سقوط آن پس از آن می‌پردازد. از نظر نویسنده دو عامل در این امر دخیل بوده است: عامل اول، اولویت سیاست نسبت به اقتصاد در سیاست خارجی ایران در طول این سال‌ها، که سیاست «نگاه به شرق» را به تصویب رساندند و عامل دوم، روابط ایران با ایالات متحده امریکا بر این اساس، نویسنده معتقد است که پیشنهاد ایران برای ایجاد روابط اقتصادی با شرق به منظور مدیریت و کاهش فشارهای سیاسی از غرب، دلیل افزایش ناگهانی روابط ایران و جنوب شرقی آسیا است. خوش هیکل آزاد (۱۳۸۲) در پژوهشی «با عنوان سابقه‌ی تاریخی ایرانیان با منطقه‌ی جنوب شرقی آسیا»، به بررسی روابط ایران با کشورهای جنوب شرقی آسیا به‌ویژه کشورهای اندونزی، مالزی و برونئی در سه حوزه‌ی فرهنگی، ادبی و زبان‌شناسی می‌پردازد.

محمدی (۱۳۸۳) در مقاله‌ی تحت عنوان «بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام»، با توجه به گذشت بیش از ربع قرن از پیروزی انقلاب ایران، به بررسی همه جانبه از بازتاب انقلاب اسلامی بر جهان اسلام پرداخته و عنوان می‌کند که انقلاب ایران بر دولت کشورهای اسلامی عموماً بازتاب منفی داشته و آنها را از تغییر وضع موجود نگران کرده است و لذا سعی در کنترل و برخورد با امواج انقلاب کرده‌اند. مرتضوی امامی زواره و جمالی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «ایران و اندونزی: مشابهت‌ها، تفاوت‌ها و بازتاب‌های انقلاب اسلامی»، با بیان اینکه ایران و اندونزی بحران‌ها را پشت سر گذاشته و در برخی موارد دارای شباهت‌هایی می‌باشند که در قبال یکسری جریان‌های خاص در هر یک از این دو کشور شکل گرفته، به ذکر اهم این موارد از قبیل تئوری توطئه، مشکلات اقتصادی، سیاست‌های قومی، بحران دوران گذار، ناهمگونی قومی و فرهنگی و نقش جامعه بین‌المللی و غرب پرداختند. در این تحقیق علاوه بر این شباهت‌ها، به برخی تفاوت‌ها بین دو کشور مانند تفاوت‌های قومی، فرهنگی، زبانی و نژادی، هویتی و ... نیز اشاره شده است.

برخلاف پژوهش‌هایی که در بالا به آن اشاره گردید، نگارندگان مقاله‌ی پیش‌رو، به بررسی علل و عواملی که مانع بازتاب انقلاب اسلامی ایران در کشور اندونزی است، پرداخته‌اند.

چارچوب نظری؛ نظریه پخش هاگراسترنند

تئوری پخش توسط تورستن هاگراسترنند جغرافیدان سوئدی ابتدا در سال ۱۹۵۳ مطرح شد و سپس در سال ۱۹۶۸ در کتاب «انتشار فضایی فرآیند نوآوری» اصول تازه‌ی آن را مطرح گردانید و سپس آن را بسط داد (ابراهیم‌زاده و بذرافشان، ۱۳۸۶: ۵۹).

هاگراسترنند ابتدا با همکاران خود، «نظریه پخش» را در زمینه‌ی گسترش نوآوری‌ها و پدیده‌های کشاورزی به کار گرفت و سپس این نظریه در نحوه‌ی گسترش بیماری سل گاوی هم در سال‌های مختلف به تجربیات پر ارزشی دست یافت؛ که نهایتاً این نظریه تا سال ۱۹۶۸ به اصول تازه و استواری نایل آمد. اثر تحقیق هاگراسترنند در کشورهای انگلیسی زبان و به‌ویژه امریکا طرفداران بی‌شماری یافت و شیوه‌ی عملی آن در جغرافیای کاربردی به کار گرفته شد (شکوهی، ۱۳۸۱: ۳۰۲). اصول و قواعدی که هاگراسترنند در نظریه خود بیان کرد، قادر به بیان علت پخش خیلی از موضوعات و رخدادهاست.

پخش عبارت است از فرآیندی که بر طبق آن یک امر فرهنگی (یک نهاد یا یک اختراع فنی و جز آن) که مشخصه یک جامعه است، در جامعه دیگری به عاریت گرفته شده و مورد پذیرش قرار می‌گیرد (برزگر، ۱۳۸۲: ۴۲). این نظریه در واقع به تبیین و تشریح کیفیت و چگونگی گسترش یک پدیده یا نوآوری در طول زمان و در گستره یک فضای جغرافیایی می‌پردازد تا از این طریق، علل و دلایل پخش و گسترش یک رویداد یا پدیده را از منطقه‌ای به مناطق دیگر کشف کند. این نظریه در بسیاری از مسائل سیاسی، اجتماعی، پزشکی، اقتصادی و فرهنگی چون گسترش محبوبیت یک نماینده انتخاباتی در بین مردم، چگونگی پخش انواع مد لباس و رفتار در مکان‌های شهری و روستایی، دلایل گسترش یک نوع موسیقی

و ترانه در بین مردم، پخش بیماری‌های واگیر در بین چندین کشور و گسترش استفاده از تلویزیون رنگی از شهرهای بزرگ به مناطق روستایی به کار گرفته شده است (حسینی و برزگر، ۱۳۹۲: ۱۷۴). در مجموع، این نظریه گسترش هر نوع نوآوری فکری یا فیزیکی را تبیین می‌کند. هاگراسترند انواع پخش را این گونه بیان می‌کند:

الف) پخش جابجایی: پخش جابجایی زمانی که افراد یا گروه‌های دارای یک ایده مخصوص، به‌طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به این طریق، ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش یابند. مذاهب با اعزام مبلغان مذهبی و با پخش جابجایی، اشاعه یافته‌اند.

ب) پخش سلسله مراتبی: در این نوع پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل می‌شوند و گسترش می‌یابند. ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر، یا از یک مرکز شهری مهم به مرکزی دیگر گسترش می‌یابد (خواججه‌سروی و رحمنی، ۱۳۹۱: ۳۴).

پ) پخش سرایتی یا واگیردار: این پخش در مقابل پخش سلسله مراتبی قرار دارد. در این نوع پخش، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب صورت می‌گیرد؛ مانند اشاعه بیماری‌های مسری، چون در این نوع، پخش با تماس مستقیم منتشر می‌شود. این فرآیند به شدت تحت تأثیر فاصله قرار دارد (برزگر، ۱۳۸۲: ۴۵). همچنین، هاگراسترند از شش اصل به‌عنوان اصول و مؤلفه‌های اساسی این نظریه نام می‌برد:

- ۱) حوزه و محیط اولیه پدیده؛ این محیط می‌تواند محیط همگرا یا واگرا باشد.
- ۲) زمان پخش؛ زمان عاملی است که می‌تواند به‌صورت مداوم یا به حالت دوره‌های جدا از یکدیگر و متوالی در نظر گرفته شود.
- ۳) موضوع یا پدیده پخش؛ موضوع پخش ممکن است بیماری‌های واگیردار، نوآوری‌های کشاورزی و تکنولوژیک نظیر بذره‌های اصلاح شده یا تلویزیون، رایانه، اینترنت و ماهواره باشد.
- ۴) مبدأ پخش؛ مکان‌هایی است که به‌عنوان خواستگاه یک نوآوری، صدور پیام یا ارزش‌ها باشد.
- ۵) مقصد پخش؛ مکان‌هایی است که محتوای پخش یا جریان مداوم پخش به آنها می‌رسد.
- ۶) مسیر حرکت پدیده‌ها و مجاری انتقال نوآوری از مبدأ به مقصد؛ فاصله جغرافیایی و فاصله اجتماعی - اقتصادی مسئله‌ای مهم در ارتباط پدیده‌ها است.

هاگراسترند در تبیین و تحلیل خود از این نظریه، معتقد است که با استفاده از این نظریه می‌توان هر گونه فعالیت را در زمان و مکان نشان داد و این نظریه علاوه بر سادگی آن، انعطاف‌پذیر بوده و به راحتی قابل درک است (Hagerstrand, 1986: 12).

نظریه‌پردازان انقلاب مبحث صدور انقلاب را یکی از مباحث ذاتی انقلاب‌ها می‌دانند؛ زیرا هر انقلابی، حتی اگر ایدئولوژی جهان شمولی نداشته باشد، حداقل براساس نظریه پخش بر روی کشورهای دیگر تأثیر خواهد گذاشت و موجب تحولات انقلابی در آنها خواهد شد؛ همان‌گونه که وقوع انقلاب ایران

موجب بروز ناآرامی و تحرکاتی در برخی از کشورهای منطقه شد ولی بازتاب محدودتری در جنوب شرق آسیا به طور خاص در کشور اندونزی داشته است (جمالزاده، ۱۳۹۱: ۶۶).

بنابراین با توجه به مؤلفه‌های اصلی نظریه‌ی پخش هاگراسترنند (مبدأ، مقصد، زمان، موضوع و شیوه‌های صدور پخش) و به دلیل مشکلات و موانعی که بر سر این پنج عنصر در کشور ایران (به‌عنوان مبدأ پخش) و کشور اندونزی (به‌عنوان مقصد پخش) وجود داشته است ما با بازتاب محدود انقلاب اسلامی ایران در این کشور روبه‌رو بوده‌ایم.

مبدأ پخش

مبدأ پخش مکانی است که خواستگاه نوآوری و صدور پیام‌های و ارزش‌هایی جدید است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در کشور ایران به‌عنوان مبدأ پخش در بهمن ۱۳۵۷، به دلایل گوناگون دارای تأثیرات و بازتاب‌های گسترده در منطقه بوده است؛ اول، یک انقلاب بزرگ و تمام عیار و مطابق با تعاریف انقلاب، در ایران رخ داد. دوم؛ دارای داعیه بین‌المللی و فرامرزی و بشری است و پسوند «اسلامی» انقلاب ایران هم این انتظار را ایجاد می‌کند. سوم؛ موقعیت استراتژیک و سوق الجیشی ایران و موقعیت حساس منطقه‌ای آن، سبب می‌شود که هرگونه تغییرات ساختاری در ایران دارای تأثیرات منطقه‌ای باشد (برزگر، ۱۳۸۸: ۳۴). ایران و انقلاب اسلامی با شعارها و گفتمان‌هایی نظیر تلاش در جهت برقراری حکومت جهانی اسلام، نفی سلطه و سلطه‌جویی، حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی بخش، تبلیغ اسلام و دعوت به مذهب شیعه، کانون پخش و تراوش در منطقه شد و چنان تأثیرات قوی در منطقه داشت که کسانی هم که علاقه‌ای به انقلاب اسلامی نداشتند، تحت تأثیر آن قرار گرفتند (حسینی و برزگر، ۱۳۹۲: ۱۷۷).

از زمان انقلاب ۱۳۵۷ و در نتیجه تغییر در دولت، گفتمان‌های مختلف و رقابت بر سیاست‌های ایران غالب شده‌اند، هر کدام از این گفتمان‌ها دیدگاه متفاوتی نسبت به جریان صدور انقلاب داشته‌اند. امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ضمن تأکید بر تکلیف بودن «صدور انقلاب» ضرورت این امر مهم را در راستای منافع کشور و بهره‌گیری از توان ملت‌ها و به‌ویژه مسلمان‌ها برای تحقق اهداف برون مرزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار داده و بر ابعاد سیاسی و فرهنگی انقلاب در زمینه‌های تبلیغ، آموزش، الگوسازی و انتقال تجربیات انقلابی به دیگر جوامع تأکید کردند (صحیفه امام، جلد ۴: ۴۴ و ۵۸). اما گذشته از دیدگاه بنیان‌گذار انقلاب ایران چهار دیدگاه دیگر نیز در چهار دهه‌ی اول انقلاب نسبت به صدور انقلاب مطرح بود این دیدگاه‌ها را می‌توان به شش دوره تقسیم کرد؛ دوره اول را می‌توان «گفتمان عدم تعهد ملت‌گرایانه لیبرال» (۱۳۵۷-۱۳۶۰) نامید، که با دولت موقت آغاز شد. اولویت نخست این دوره پایان دادن به «اتحاد عملی و چاکرمنشانه‌ی رژیم شاه» با امریکا و استوار ساختن مناسبات دو کشور بر پایه‌ی برابری بود (Rezaee, 2009: 268). در این دوره کوتاه، سیاست خارجی بر پایه‌ی توازن استوار گردید (اسدی، ۱۳۸۷: ۳۸). سیاست کلی این دوره تمایل به غرب و نگرانی از نفوذ بلوک شرق، عدم دخالت در

امور داخلی دیگران و بهبود مناسبات ایران و امریکا بود (امیری، ۱۳۸۵: ۵۰). در عمل سیاست خارجی دولت موقت مبتنی بر عدم بکارگیری زور، صدور انقلاب و مسالمت‌جویی مفرط بود که حکایت از خوش‌بینی به سیاست بین‌الملل، می‌نمود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۹۸-۱۹۹).

دوره دوم، تحت عنوان «گفتمان آرمان‌گر و ارزش‌محور» (۱۳۶۰-۱۳۶۸)، با کنار رفتن ملی‌گراها از قدرت آغاز می‌شود. رضانی معتقد است، اشغال سفارت امریکا، بوته آزمایش سیاست خارجی انقلابی و آرمان‌گرایانه‌ای شد که ایران را در مقابل بیشتر کشورهای جهان قرار داد (اسدی، ۱۳۸۷: ۳۹). ایران در این سال‌ها تلاش می‌کرد بدون توجه به نظام حاکم در روابط بین‌الملل، هنجارهای موجود را برهم زده و نظم مورد نظر خود را جایگزین آنها نماید. بنابراین، سیاست خارجی جدید ایران مخاطبین خود را، ملت‌ها قرار داد با این امید که با ایجاد ارتباط با ملت‌ها قادر خواهد بود به اهدافی همچون صدور انقلاب اسلامی، جهاد در دو بعد فرهنگی و نظامی، استکبار ستیزی و بیداری ملل مستضعف، بیداری ملل مسلمان جهان به خصوص بیداری ملل حاشیه خلیج فارس دست یابد (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۰۴۴). در این دوره، الگوی منحصر به فرد نه شرقی نه غربی حاکم و از جایگاه بسیار والایی در سیاست خارجی انقلابی برخوردار بود (صدوقی، ۱۳۸۶: ۱۷۵).

دوره سوم سیاست خارجی با حاکمیت «گفتمان واقع‌گرا و سازندگی‌محور» (۱۳۶۸-۱۳۷۶) از زمان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ آغاز گردید. در این دوره رهبران سیاسی ایران در صدد بودند تا زمینه‌ی لازم جهت همگرایی در نظم بین‌المللی جدید را فراهم آورند. رهبران در این دوره، بر مؤلفه‌هایی مانند دیپلماسی سازنده تأکید داشتند (احتشامی، ۱۳۷۸: ۹۹). از سال ۱۳۶۸ بعد مجریان سیاست خارجی، در چارچوب واقع‌گرایی نسبی سعی کردند سیاست‌های آرمان‌گرایانه‌ی دهه‌ی اول را با سیاست‌های کارآمدتری جایگزین کنند. ضرورت عنایت به مسائل اقتصادی و تأمین منافع ملی در بُعد اقتصادی موجب شد که ایران برای دستیابی به اعتبار و قدرت، سیاست عملگرایی همزیستی با دیگران را دنبال کند (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۷). با آغاز هفتمین دوره‌ی ریاست جمهوری «گفتمان اصلاحات یا فرهنگ‌گرای سیاست‌محور» (۱۳۷۶-۱۳۸۴) در کشور حاکم گردید. در واقع دوره‌ی چهارم سیاست خارجی شروع شد. در این دوره واقع‌گرایی در سیاست تعدیل اقتصادی و قائل شدن به توسعه‌ی صنعتی، جای خود را به توسعه‌ی سیاسی داد و در روابط خارجی پذیرش پلورالیسم به معنی نفی نظام تک قطبی و پذیرش تساوی فرهنگ‌ها، به محور اصلی سیاست خارجی تبدیل شد (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۴۴).

دوره‌ی پنجم سیاست خارجی پس از انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری آغاز گردید، «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور» (۱۳۸۴-۱۳۹۲) بر سیاست خارجی حاکم شد. در این دوران ایران در سیاست داخلی و خارجی خود درصدد احیاء ارزش‌های و آرمان‌های صدر انقلاب برآمد. آنچه که گفتمان اصول‌گرایی را از دوره سوم و چهارم سیاست خارجی، متمایز می‌کند اولویت یافتن اهداف ایدئولوژیک و تغییر در نظم جهانی، در سلسله مراتب اهداف سیاست خارجی ایران بود. در این دوران اصول‌گرایان چنین استدلال می‌کردند که از آن‌جا که در دو دوره‌ی پیشین سیاست خارجی، تعادل بین منافع ملی و مصالح

اسلامی، برهم خورده است، بنابراین تلاش برای بازیابی توازن، موجب ارتقای اولویت و اهمیت مصالح ایدئولوژیک معطوف به نظم جهانی در سیاست خارجی می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۳۵-۲۳۱). دوره‌ی ششم تحت عنوان «گفتمان اعتدال و تنش‌زدایی» با پیروزی حسن روحانی در انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری شروع شد. با توجه به انگاره‌های واقع‌نگر وی، سیاست خارجی ایران در این دوران به سمت بی‌طرفی مثبت و فعال خارجی، تأمین مناسبات دوستانه مبتنی بر همکاری‌های دو و چند جانبه با همسایگان و سایر کشورهای علاقه‌مند، رکن مهم و اصلی رویکرد خارجی و دیپلماتیک دولت روحانی بوده است (باقری دولت آبادی و شفیی، ۱۳۹۳: ۳۲۱).

با توجه به شش دوره‌ای که در بالا به آن اشاره شده، با گذشت زمان از وقوع انقلاب اسلامی رهبران و سیاستمداران ایران، دیگر صدور انقلاب را جزء آن از دسته اهداف اساسی و حیاتی در حوزه سیاست خارجی، اولویت‌بندی نمی‌کردند. حتی شیوه صدور انقلاب نیز با توجه به کیش شخصیت این رهبران تغییر می‌کرد به طوری که امام خمینی الگوی سیاسی و فرهنگی برای جهان به‌ویژه شیعیان خاورمیانه مناسب می‌دانستند، مهدی بازرگان نخست وزیر وقت تمایل به صدور انقلاب به هیچ کشوری را نداشت و بیشتر اهداف ناسیونالیستی و منافع ملی در سر می‌پروراندند، در حالی که آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی به دنبال الگوی توسعه اقتصادی بودند تا بتوانند رکود اقتصادی و خسارت‌های گسترده‌ای وارد شده به زیر ساخت‌های کشور که ناشی از جنگ هشت ساله ایران و عراق بود، جبران کرد. با گذشت زمان سیاست‌های اقتصادی جایگزین سیاست صدور انقلاب و احیای جنبش‌های مذهبی در کشورهای مسلمان آسیای جنوب شرقی، به‌ویژه اندونزی و مالزی شد. بنابراین تجارت را به‌عنوان عنصر اصلی تعریف کننده روابط ایران با کشورهای جنوب شرقی آسیا از جمله اندونزی شد. گفته می‌شود که وضعیت کشورهای آسیای جنوب شرقی در اولویت‌های تجاری و اقتصادی ایران تا به حال همیشه پایدار نبوده است. تلاش‌های ایران برای اصلاح روابط با کشورهای جنوب شرقی آسیا با ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی آغاز شد، که بیشترین عامل پراگماتیست در میان نخبگان سیاسی ایران است. بنابراین عصر جدید در روابط ایران و اندونزی با به قدرت رسیدن هاشمی رفسنجانی در ایران افزایش یافت. آغاز کار عملی در ایران و تسخیر احساسات انقلابی همراه با آغاز گسترش صنعتی در اندونزی بود که نیازمند جستجو برای بازارهای جدید مصرفی و منابع انرژی بود. همه این‌ها راه را برای تحولات جدید در روابط هموار کردند. به‌عنوان نشانه‌ای از پیشرفت در روابط، رئیس‌جمهور اندونزی، سوهارتو در سال ۱۹۹۴ (۱۳۷۳)، که اولین سفر یک رئیس‌جمهور اندونزی به ایران از زمان انقلاب ایران بود، به تهران سفر کرد. در طی سفر سال بعد (۱۹۹۵) هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور ایران به اندونزی، یک کمیسیون مشترک برای همکاری اقتصادی و تجاری میان دو کشور ایجاد شد. در عین حال، ایجاد سازمان D-8 با عضویت در ایران و اندونزی، محل جدیدی برای همکاری بین دو کشور بود. در طی ریاست سید محمد خاتمی،

مگاواتی سوکارنوپوتی^۱، رییس جمهوری اندونزی در سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳)، از تهران دیدار کرد تا در اجلاس D-8 شرکت کند. با این وجود هیچ تغییر عمده‌ای در رابطه دو جانبه تا پایان دوره خاتمی رخ نداد (Hunter, 2010: 136).

اما فضای روابط ایران با کشور اندونزی، با روی کار آمدن محمود احمدی نژاد دچار تغییر شد و به صورت معناداری مناسبات میان ایران و این کشور ارتقاء پیدا کرد. مناسبات بین دو کشور با سفر محمود احمدی نژاد به جاکارتا در اردیبهشت ۱۳۸۴ و دیدار رئیس جمهور اندونزی، سوسیلو بامبانگ یودویونو^۲ از ایران در اسفند ۱۳۸۶، به صورت معناداری گسترش پیدا کرد. اندونزی در مناسبات خود با ایران، بیشتر به دنبال جذب سرمایه‌گذاری ایران در بخش نفت و گاز خود و سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران بود. یکی از نتایج ملموس این علاقه دوجانبه، ساخت یک پالایشگاه نفت در استان باتن اندونزی با مشارکت شرکت پالایش و توزیع نفت ایران، شرکت دولتی نفت اندونزی و شرکت پتروفیلد ریفاینینگ^۳ مالزی بود (Hunter, 2010: 136). جهش در مبادلات ایران و کشور اندونزی را می‌توان با مطالعه میزان مبادلات اقتصادی و تجاری ایران و این کشور در فاصله سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۲، به خوبی ملاحظه کرد. هرچند این افزایش مراودات پایدار نبوده و پس از دو تا سه سال (بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰) به حالت قبل برگشت. بنابراین بررسی‌های مناسبات تجاری غیرنفتی ایران و اندونزی نشان از آن دارد که مراودات تجاری و اقتصادی غیرنفتی در دو حوزه‌ی صادرات و واردات از الگوی فراز و نشیب پیروی می‌کرده است (سلطانی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۵).

در حالی که تحریم‌های یکجانبه غرب علیه ایران و فشارهای وارد شده به ایران به دلیل موضوع هسته‌ای که غرب آن را به اشتباه تهدیدی امنیتی خود معرفی می‌کرد، از سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۲ میلادی) عوارض جانبی خود را بر اقتصاد داخلی و خارجی نشان داد و برخی سیاست‌ها و مدیریت‌های داخلی ناکارآمد، پیامدهای رفتار مغرضانه غرب علیه ایران را تقویت کرد. با روی کار آمدن دولت یازدهم در سال ۱۳۹۲، که وعده داده بود به تنش‌ها با جهان پایان می‌دهد و حل موضوع هسته‌ای با توافق برجام، مسیر توسعه روابط ایران و اندونزی نسبت به سال‌های پیش هموارتر شد و لغو تحریم‌های یکجانبه غرب علیه ایران، برخی توسعه‌ها در مناسبات تجاری دو کشور مشاهده شد. از این رو ایران و اندونزی از سال ۱۳۹۳ قدم‌های زیادی برای تقویت دوباره مناسبات برداشتند و مذاکرات مختلفی در بخش انرژی و اقتصادی انجام شد. این تلاش‌ها در حالی اتفاق افتاد که اندونزی از نخستین روزهای سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴) درگیر برگزاری دو انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری بود و جوکو ویدودو^۴ با پیروزی در انتخابات توانست به‌عنوان رئیس جمهوری جدید اندونزی در مهر ماه سال هدایت این کشور را در دست گیرد (رضاییمان یغمایی، ۱۳۹۵، www.irna.ir).

1. Megawati Sukarnoputri
2. Susilo Bambang Yudhoyono
3. Pertamina Refining
4. Joko Widodo

موضع اندونزی در مورد حل موضوع هسته‌ای ایران در چارچوب همکاری‌های ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و برنامه اقدام مشترک و مذاکرات گروه ۵+۱ و درخواست این کشور مبنی دخالت نکردن کشورهای غیر درگیر در مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ نشان از قدرت اندونزی و همچنین اراده سیاسی مثبت در ایجاد تعامل دوجانبه با ایران داشت. تلاش‌ها برای افزایش مناسبات تهران - جاکارتا در سال ۱۳۹۳ بستر مناسبی ایجاد کرد تا با سفر حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین رخداد در روابط ایران و اندونزی در سال ۱۳۹۴ در جاکارتا رقم بخورد. پس از این سفر بود که ویدودو یک وزیر ارشد امور اقتصادی اندونزی خود را مأمور تلاش برای توسعه همکاری‌های اقتصادی با ایران کرد و قدم‌های سریعی برای افزایش مناسبات اقتصادی برداشته شد. در فاصله سفر روحانی تا سفر جوکو ویدودو رئیس جمهوری اندونزی به تهران که در آذر ماه ۱۳۹۵ انجام شد، مناسبات دوجانبه شاهد رویدادها و تبادلات هیأت‌های مهمی بود. این سفرها راه صادرات نفت و گاز ایران را پس از چند سال به سمت جنوب شرق آسیا گشود و انرژی ایران در چرخه مصرف اندونزی قرار گرفته است. به‌طور کلی سفر هیأت‌های سیاسی ایران و اندونزی به دو کشور در دولت یازدهم که دیپلماسی را جزو اولویت‌های خود برای رسیدن به روابط اقتصادی پویا قرار داده بود، نشان دهنده بستر مناسب توسعه روابط دو طرف است (رضاییمان یغمایی، ۱۳۹۵، www.irna.ir).

ترکیب سفرهای انجام شده و مناسبات اقتصادی دو کشور نیز نشان می‌دهد دولت حسن روحانی نسبت به دولت‌های پیش از آن توفیق بیشتری در توسعه روابط سیاسی ایران با اندونزی داشته که افزایش مناسبات تجاری دو کشور می‌تواند ثمره این روابط باشد، محصولی که اگر از آن به درستی حراست شود و در مسیر درست مدیریت گردد، می‌تواند بخشی از اهداف اقتصادی ایران را از جنوب شرق آسیا محقق سازد.

مقصد پنجم

اندونزی بعد از فروپاشی شوروی سابق، چهارمین کشور پرجمعیت جهان و سومین کشور پر جمعیت در حال توسعه و پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی می‌باشد. مسلمانان حدود ۸۸٪ از جمعیت این کشور را تشکیل داده‌اند. مذهب رسمی در اندونزی مذهب شافعی، یکی از مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت می‌باشد (نظری، ۱۳۹۵: ۲۷۲). اسلام از طریق تجار مسلمان عرب، ایرانی و هندی از قرن سوم هجری وارد این سرزمین شد. در مجموع می‌توان گفت یکی از عوامل پیروزی اسلام در سرزمینی چون اندونزی، روابط بازرگانی مسلمانان عرب، ایرانی و هندی از دریای سرخ، خلیج فارس و هندوستان با مردم این سرزمین بوده است (الهیاری و دیگران، ۱۳۹۲: ۹-۱۳).

مسلمانان اندونزی از طریق افکار سید جمال‌الدین اسدآبادی و همچنین تعالیم شیخ محمد عبده و رشیدرضا با جریان اصلاح طلبی و احیای تفکر دینی در مصر و هند آشنا شدند و نهضت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی متنوعی را از اواخر قرن ۱۹ میلادی در برخورد با انحطاط داخلی و بیش از آن استعمار

خارجی آغاز کردند. به‌طور کلی احزاب و گروه‌های اسلامی در گرایش‌های مختلف اصلاح‌طلبانه، بنیادگرا، و سنت‌گرای محافظه‌کار با تعدادی از رهبران سیاسی برجسته نظیر جریان‌های ملی و ضداستعماری به رهبری احمد سوکارنو نقش ارزنده و بسیار مهمی در استقلال اندونزی ایفا کردند.

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران حکومت سوهارتو، با تمایل هر دو کشور به توسعه مناسبات خود با جهان خارج و همچنین نزدیکی نظرات دو کشور در خصوص برخی از تحولات بین‌الملل، روابط فیما بین نسبت به زمان سوکارنو که تنها همکاری سیاسی دو کشور شرکت ایران در کنفرانس ۱۹۵۵ باندونگ بود گسترش پیدا کرد. دیدار سوهارتو از ایران و سفر شاه به اندونزی، سفر متقابل وزرای خارجه و رؤسای مجالس دو کشور، حمایت ایران از الحاق منطقه ایریان جاوه به اندونزی و حمایت از مواضع این کشور در خصوص تیمور شرقی، از موارد همکاری سیاسی در این دوران است. وقوع انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) با نگرانی جدی مقامات جنوب شرقی آسیا از جمله اندونزی روبه‌رو گردید. معهداً هیچ یک از این دولت‌ها مشخصاً به دنبال انتقاد علنی از پیروزی اسلام بر امپریالیسم غربی و مشی سکولار نبودند. واکنش رسمی اولیه دولت اندونزی سکوت بود و سران آنها از اظهار نظر در مورد خلع شاه و یا تلاش‌های معطوف به آزادی گروگان‌های امریکایی احتراز می‌کردند. حتی در طول جنگ ایران و عراق موضع غیرعملی و بیطرفانه‌ای در قبال دو طرف مخاصمه در پیش گرفت. همچنین سوهارتو، رئیس جمهور وقت اندونزی مایل نبود که نقش میانجی را در این امور ایفا کند. به قول شارون صدیق: «قضیه گروگان‌ها برای هیچ یک از این دو کشور (اندونزی و مالزی) موضوع ساده‌ای نبود» (روزنامه رسالت، ۱۳۹۰/۹/۶).

در زمان انقلاب ۱۳۵۷ ایران، برخی ناظران حوزه اسلامی جنوب شرقی آسیا پیش‌بینی می‌کردند که کشورهایی چون اندونزی می‌توانند دقیقاً «ایران دیگری» باشند. در عمل انقلاب اسلامی ایران و رویدادهای متعاقب آن، بازتابی که در آغاز پیش‌بینی می‌شد، نداشت. به‌طوری‌که اگر صرفاً بیانیه‌های رسمی حکومت‌های ایران و اندونزی را که درباره رفت‌وآمدهای دولتمردان انتشار می‌یافت مطالعه کرد به نظر می‌رسد که تقریباً چیزی بر اثر انقلاب تغییر نکرده است. اما این افراط معمولاً نگرانی‌های جدی مقامات اندونزیایی را از تأثیر رویدادهای ایران بر مردم کشورشان پنهان می‌کند. با این همه، جاکارتا نمی‌خواست علناً به چشم منتقد پیروزی ظاهری اسلام بر امپریالیسم غرب و مشی غیرمذهبی نگریده شود (اسپوزیتو، ۱۳۸۶: ۲۴۳).

در ابتدا در اندونزی، انقلاب اسلامی هم ایدئولوژی و عقاید سیاسی اسلامی را برانگیخته و هم توانایی حکومت محلی را در توجیه نظارت و سرکوب جنبش‌های مخالفان اسلام‌گرا تقویت کرد. فعالان مسلمان در آسیای جنوب شرقی همچون همگان خود به انقلاب ۱۳۵۷ متوسل شدند و تهران را واداشتند پاسخ توجهات و احترامات آنها را به آیت‌الله خمینی بپردازد. با این حال، در مدت زمان کوتاهی، فعالان در اندونزی سریعاً از آیت‌الله خمینی فاصله گرفتند؛ زیرا نسبت به جهت‌گیری و زیاده‌روی‌های حکومت روحانی‌مدار ایران نگرانی داشتند و حکومت اندونزی نیز برای بی‌اعتبار ساختن هر گونه مخالف اسلامی به

طرح اتهاماتی چون «خمينيسم» يا «اسلام راديكال» مي‌پرداخت. انقلاب ايران همچون ديگر موقعيت‌هاي اسلامي، اثر مهمي بر عناصر آگاه مذهبي داشت. اين انقلاب، يك سلسله نيروهاي ديگر را تقويت كرد كه از احيا اسلام در اين منطقه قوت مي‌گرفتند. در همان حالي كه زياده‌روي‌هاي نسبت داده شده به رژيم جديد تهران و جنگ طولاني ايران و عراق جاذبه انگيزشي اوليه از فعالان را نسبت به تجربه ايران تضعيف كرد (اسپوزيتو، ۱۳۸۶: ۲۷-۲۶).

با توجه به آنچه كه در بالا ذكر گرديد، در مجموع مي‌توان سه عامل عمده در اندونزي را مانع بازتاب انقلاب اسلامي ايران در اين کشور دانست:

۱. ايدئولوژي شيعي انقلاب اسلامي ايران، چون انقلاب اسلامي ايران در كشوري با اكثريت جمعيت شيعه مذهب شكل گرفت. از اين رو اصول و ايدئولوژي حاكم در انقلاب اسلامي كاملاً براساس اصول، احكام و آموزه‌هاي مذهب شيعه تعريف شده بود، در حالي كه از يك سو فقط حدود ۱٪ از جمعيت ۸۸٪ مسلمانان اندونزي را شيعيان تشكيل مي‌دادند. از سوي ديگر در ميان همين ۱٪ جمعيت شيعيان اندونزي نيز گرايشات صوفيانه وارد شده بود به طوري كه خيلي از شيعيان اندونزي با توجه به اين گرايشات صوفي مسلكنه از حضور فعال در عرصه فعاليت‌هاي سياسي و اجتماعي خودداري مي‌كردند. بر اين اساس ايدئولوژي شيعي انقلاب اسلامي ايران مورد استقبال اكثريت جمعيت شافعي مذهب اندونزي قرار نگرفت.
۲. قدرت يابي نظاميان در اندونزي؛ از اواسط جنگ جهاني دوم تا آخر جنگ، اندونزي به اشغال نيروهاي ژاپن درآمد و پس از پايان جنگ و تسليم ژاپن، سلاح‌هاي ارتش ژاپن به دست مليون افتاد. سوکارنو به عنوان چهره‌ي ملي و ميانه‌رو، رهبري مليون را به دست گرفت و در سال ۱۹۴۵ اعلان استقلال كرد، بعد از پذيرفتن استقلال، سوکارنو به عنوان رئيس جمهور اندونزي برگزيده شد؛ وي يكي از فعالان نهضت استقلال اندونزي و رهبر حزب ناسيونال و جزء ناسيوناليست‌هاي بي تفاوت به مذهب بود كه دين را از سياست جدا مي‌دانست. سوکارنو دموكراسي و نظام پارلماني غربي را تأييد مي‌كرد و دموكراسي را به عنوان هدف طبيعي تلاش اندونزي براي استقلال ذكر مي‌كرد. به اعتقاد وي بهترين راه حل براي رفع اختلاف‌ها و تضادهاي موجود در جامعه، دموكراسي نوين بود كه او آن را به عنوان اصل واقعي حكومت اسلامي و به عنوان ايدئولوژي نوين تلقی مي‌كرد. وي معتقد بود در كشوري مثل اندونزي فقط براي سياست دو راه چاره باقي است: وحدت دين و سياست. اما بدون دموكراسي، يا دموكراسي همراه با سياست بدون مذهب؛ به خاطر همين اعتقادات بود كه او در سال ۱۹۵۷ (۱۳۳۶) سياست‌هاي مبتني بر نوعي دموكراسي جديد با عنوان «دموكراسي هدايت يافته» را رسماً اعلام كرد. يكي از مشكلات سوکارنو فعاليت حزب كمونيسم اندونزي بود، اين حزب عليه دولت فعاليت‌هاي فراواني داشت كه در نهايت منجر به کودتای آنان در ۳۰ سپتامبر ۱۹۶۵ (۸ مهر ۱۳۴۴) شد اما اين کودتا توسط سوهارتو كه فرمانده نيروهاي استراتژيك بود سر كوب گرديد. سوهارتو بعد از سر كوبي کودتا حزب كمونيست را منحل نمود و خود يك كابينه جديد تشكيل داد. در ادامه به خاطر اختلافاتي كه بين او و سوکارنو وجود داشت، سبب شد تا سوکارنو از برنامه‌هاي كابينه جديد حمايت نکند لذا با فشار سوهارتو مجمع مشورتي مردم سوکارتو را از

مقام ریاست جمهوری برکنار و سوهارتو را به‌عنوان کفیل ریاست جمهوری انتخاب نمود. سوهارتو در سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۶) به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب و دولت وی با استراتژی نظم نوین آغاز به‌کار کرد. دولت وی طبق قانونی در همین سال برای ساده کردن سیستم سیاسی کشور خط‌مشی‌هایی را تعیین کرد که جهت به حداقل رساندن درگیری‌های عقیدتی میان سازمان‌های سیاسی، تمام این سازمان‌ها باید از پانچاسیلا (اعتقاد به خدای واحد، انسانیت، وحدت اندونزی، دموکراسی و عدالت اجتماعی) را به‌عنوان اصل اساسی خود بپذیرند. جهت ساده کردن نظم سیاسی بخصوص به منظور انتخاب سازمان سیاسی توسط مردم در انتخابات عمومی تعداد سازمان‌ها و احزاب از طریق ادغام با یکدیگر کاهش یابند. به دلیل تأثیرات منفی فعالیت‌های سیاسی بر روستاها و حیات اجتماعی اقتصادی روستانشینان، روستاها باید از فعالیت‌های به دور باشند.

با توجه به این مطالب احزاب متعدد اندونزی به سه حزب تقلیل یافتند:

الف) حزب گلکار که اتحادیه گروه‌های نماینده کشاورزان، جوانان، سربازان، تعاونی‌ها و بازرگانان بوده که بیشترین قدرت را در زمان سوهارتو به دست داشت.

ب) حزب متحد توسعه که از بهم پیوستن چهار حزب نهضت‌العلماء، حزب مسلمین اندونزی، حزب اسلامی شرکت اندونزی و حزب اسلامی پرتی تشکیل شده بود.

ج) حزب دمکراتیک اندونزی که در اثر ادغام احزاب سیاسی ملی‌گرایان، مسیحیان، کاتولیک، حامیان استقلال و مردم تشکیل شده بود.

دولت اندونزی در طول بیش از ۳۲ سال زمانداری ژنرال محمد سوهارتو، از میان راهکارهای مختلف، جهت ایجاد و تعمیق همگرایی اجتماعی و برپایی دولت-ملت واحد، سیاست «شبیبه سازی» را برگزید و تلاشی فراگیر در جهت استحاله ارزش‌ها و ممیزهای هویتی گروه‌های قومی در ارزش‌های عمده ملی به کار بست و در این راه هدفی را جز سلطه یک گروه قومی بر دیگر گروه‌های قومی، تعقیب نکرد (ابوطالبی، ۱۳۷۸: ۱۸۶).

تحمیل زبان «باهاسا اندونزیا» اولین اقدام فرهنگی-ساختاری بوده است. سه دهه حاکمیت نظامیان سبب شد تا فرهنگ نظامی در تمام شئون زندگی سیاسی آن کشور احساس شود. شکنجه، اعدام‌های بدون محاکمه، بازداشت‌های غیرقانونی، غارت، قتل‌عام، جابجایی جمعیتی، اعمال سیاست زمین سوخته، بکارگیری جوخه‌های شبه‌نظامی از جمله سازوکارهای عادی حل و فصل مسایل سیاسی-اجتماعی و قومی در این دوران بوده است. در تیمور شرقی این رفتارها به‌صورت علنی‌تر و سازمان‌یافته‌تر اعمال می‌شد. بدین ترتیب همه تلاش‌های جنبش‌های اسلامی و آرمان‌های یکصد و پنجاه میلیونی مردم اندونزی که نود درصد آنها مسلمان بودند، در مسلخ افکار ملی‌گرایان قربانی شد (مرتضوی امامی زواره و جمالی، ۱۳۹۴: ۴۳۸).

۳. عدم وجود رهبران برجسته جهت سازماندهی گروه‌های متعرض در اندونزی؛ رهبری بسیج هماهنگ‌کننده نیروهای درگیر منازعه انقلابی است؛ زیرا بدون وجوه رهبری، نیروهای درگیر در منازعه انقلابی

به جای اینکه اعتراض و عمل سیاسی خود را متوجه حکومت مستقر کنند، ممکن است آن را متوجه یکدیگر کنند. از سوی دیگر، حرکت انقلابی یکسره جنبش توده‌ای نبوده بلکه ترکیبی از سازمان و جنبش توده‌ای است و رهبری عمده‌ترین عنصر سازمان دهنده‌ی بسیج محسوب می‌شود (احمدوند، ۱۳۸۸: ۱۴). رهبران، اهداف جنبش را روشن می‌کنند؛ درباره‌ی شیوه‌ی برخورد با حکومت تصمیم می‌گیرند؛ وضع موجود را براساس ایدئولوژی بسیج تحلیل می‌کنند؛ تصویری از جامعه‌ای برتر ترسیم می‌نمایند و هواداران خود را متقاعد می‌سازند که جنبش پیروز خواهد شد (بشیری، ۱۳۸۷: ۸۸).

بنابراین، با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی ایران، چه در همان دهه‌ی ابتدای انقلاب اسلامی ایران و چه در دهه‌های بعد، در اندونزی شاهد ظهور رهبری یا رهبرانی که دارای چهره کارزماتیک چه از نظری مذهبی و سیاسی باشند که بتواند افراد و گروه‌های متأثر از انقلاب اسلامی ایران را در این کشور رهبری و سازماندهی کند نبوده‌ایم و به دلیل عدم وجود همین رهبران فرصت و زمینه برای قدرت‌یابی نظامیانی چون سوکارنو و سوهارتو فراهم شد.

زمان بخش

برخی اندیشمندان بر این اعتقادند که بازتاب‌های انقلاب ایران و به تعبیر گراهام فولر «تأثیر رفلکسی انقلاب» (فولر، ۱۳۷۳: ۱۵۶)، تنها در نخستین سال‌های انقلاب بسیار گسترده و فزاینده بوده و پس از آن به تدریج، با گذشت زمان شعاع این اثرات محدودتر شده است. آنها در بررسی عوامل کاهش دهنده تأثیرات در کنار افزایش مسافت، گذشت زمان را نیز عامل مهمی در کاهش تعداد پذیرندگان تلقی می‌کنند و معتقدند میزان پذیرش با افزایش زمان کاهش می‌یابد (جردن و راوتنری، ۱۳۸۰: ۲۶). به‌عنوان نمونه «نیکو کدی» معتقد است تأثیرات محسوس انقلاب اسلامی و الهام بخشی، برای بسیاری از جریانات اسلامی در جهان اسلام صرفاً محدود به زمان وقوع انقلاب و چند ماه بعد از پیروزی آن است (Keddie, 1980: 118).

از دیدگاه این نوشتار نگاه خطی در باز اندیشی اثرات پدیده‌هایی همچون انقلاب اسلامی و ساده‌سازی آن در تحلیل‌های این چینی، ضمن خدشه در درک و دریافت از واقعیات، بینی نتایج و آثار را در عمل، دچار ضعف‌هایی می‌کند. این بازتاب‌ها در زمان‌های متفاوت، شرایط متغیر ایران، کشور مقصد، منطقه و نظام بین‌الملل به‌گونه‌ای سیال دچار قبض و بسط می‌شود که بایستی در تجزیه و تحلیل این موضوع لحاظ شود. در مطالعه موردی کشور اندونزی بازتاب انقلاب اسلامی در دوره‌های زمانی، از وقوع انقلاب تا دو دهه‌ی اول از این واقعه تجربه‌های تأثیرگذار متفاوتی برجای گذاشته است. هر چند این دوره نیز به بازه‌های زمانی جزئی‌تری را در بر می‌گیرد. دهه اول انقلاب از پیروزی انقلاب تا حمله عراق به ایران (از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹) تأثیرپذیری احزاب و گروه‌ها و فعالان سیاسی اسلامی از انقلاب اسلامی در داخل کشور اندونزی چشم‌گیر و روبه رشد بود اما با حمله عراق به ایران، ترورهای شخصیت‌های سیاسی توسط گروه‌ها تندرو اسلامی در اوایل انقلاب در ایران و محدودیت‌ها و فشارهای

که دولت وقت اندونزی بر این گروه‌های اسلامی در خاک خود اعمال نمود و علاوه بر این فشارهای بین‌المللی بر انقلاب ایران، به تدریج از میزان این تأثیرپذیری کاهش یافته است. در دهه دوم انقلاب که آتش‌بس با پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت از سوی دو طرف و پایان جنگ در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ و با شروع دوران رهبری آیت‌الله خامنه‌ای و ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، دوران تازه‌ای از تلاش‌های ایران برای رهایی از انزوای بین‌المللی آغاز شد و به این منظور، برنامه‌هایی که با هدف صدور طراحی می‌شد، مورد کنترل بیشتری قرار گرفت. با آغاز به کار هاشمی رفسنجانی در ۱۲ مرداد ۱۳۶۸ و اتخاذ سیاست خارجی تنش‌زدایی و همکاری مبتنی بر توسعه و نوسازی اقتصادی در عرصه روابط خارجی چه در سطح منطقه و فرامنطقه گرفتند. از این رو هاشمی رفسنجانی در کنار سیاست تنش‌زدایی از شعارهای ایدئولوژیک و صدور انقلاب، در ابتدای انقلاب نیز فاصله گرفت. علاوه بر این‌ها اجرای اولین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی بعد از انقلاب در این دولت انجام گرفت. اجرای این برنامه پنج‌ساله توسعه ایجاب می‌کرد، دولت سیاست باز اقتصادی را برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی در جهت سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران را در پیش بگیرد. بنابراین از این تاریخ به بعد شاهد شکل‌گیری روابط خارجی ایران با طیف گسترده‌ای از کشورهای جنوب شرق آسیا و بالاخص کشور اندونزی بوده و این روابط بیشتر حول محور جذب سرمایه و توسعه اقتصادی با این کشورها بوده است. در دوره‌های زمامداری سه رئیس‌جمهوری بعدی ایران (سید محمد خاتمی، محمود احمدی نژادی و حسن روحانی) روابط میان ایران و اندونزی، از دو عامل اولویت سیاست بر اقتصاد و نوع کنشگری قدرت‌های بزرگ تأثیر پذیرفته است. بر این اساس مناسبات میان ایران و اندونزی در این دوران دارای فراز و نشیب‌های بوده است. چنان‌که در مقطع زمانی بین ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ دوره‌ی ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد و همچنین در بازه زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ دوره‌ی ریاست جمهوری حسن روحانی با افزایش ناگهانی مناسبات و مراودات اقتصادی بین دو کشور روبه‌رو بوده‌ایم. در واقع این امر نتیجه تلاش‌های ایران برای برقراری پیوندهای محکم اقتصادی با شرق در جهت کاستن از فشارهای غرب و ناپایدار بودن آن، نتیجه فشارهای غرب برای تحریم ایران از یک سو و اولویت چین در سیاست نگاه به شرق ایران از سوی دیگر است. از این رو در این دوران، تحولات در روابط با دنیای غرب از یک سو و نوع مناسبات با چین، تعیین‌کننده نوع روابط ایران و کشورهای جنوب شرق آسیا از جمله کشور اندونزی است (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۹-۱۰).

موضوع پخش

منظور از موضوع پخش مجموعه رفتارهایی است که نظام جمهوری اسلامی ایران انتظار دارد دیگر مسلمانان آن را بپذیرند و مورد قبول اذهان عمومی واقع شود. بنابراین ارزش‌های انقلاب اسلامی، مجموعه پنداشت‌هایی است که مورد پسند و مقبول نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. به هر تقدیر «اسلام سیاسی» و قدرت ایدئولوژی آن پیامی بود که انقلاب اسلامی ایران برای مسلمانان ارائه کرد.

انقلاب ایران، تقویت شگفت‌انگیز عقاید ضد غربی و محافظه‌کارانه را در پی داشت (فلاح‌زاده و منیری، ۱۳۹۴: ۱۶۳).

بر این اساس می‌توان مصادیقی از جلوه‌های تأثیرپذیری اجتماعی اندونزی از انقلاب اسلامی را در رفتارهای مذهبی از جمله گرایش به حجاب اسلامی در میان زنان و افزایش اقبال عمومی نسبت به فرائض دینی مشاهده کرد (اسپوزیتو، ۱۳۸۶). اما این تحرکات اجتماعی فکری و فرهنگی بیشتر در سال‌های اولیه‌ی انقلاب نمود بیشتری داشت و با گذشته یک دهه از عمر انقلاب اسلامی از شدت این تحرکات کاسته شد. و روابط دو کشور در سطح دولت‌ها و بیشتر در حوزه اقتصادی و تجارت پی‌گیری گردید. در واقع در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، نگاه ایران به اندونزی همانند دیگر مناطق، با ایده ترویج ایده‌های انقلابی همراه بود، اما به مرور منطق اقتصادی جایگاه خود را در تعیین نوع مناسبات بین دو کشور به دست آورد. انقلاب اسلامی ایران، در دوران اوج احیای جنبش‌های مذهبی در کشورهای دارای جمعیت گسترده مسلمان منطقه جنوب شرق آسیا به خصوص اندونزی و مالزی رخ داد و از این رو، خود به‌عنوان یک عامل الهام بخش برای اسلام‌گرایی رو به ظهور عمل کرد. در اندونزی، انقلاب ایران در کنار حرکت «خوان المسلمین»، ایده مخالفت با حکومت سوهاتو را در میان جمعیت روشن‌فکر مسلمان این کشور زنده کرد (Porter, 2002: 71). با این حال دو عامل از میزان اثرگذاری انقلاب ایران بر تحولات این کشور کاسته و به بازگشت عامل تجارت به‌عنوان صورت تعیین‌کننده مناسبات ایران و اندونزی کمک کرد: نخست، توانایی دولت‌های منطقه از جمله کشور اندونزی در کنترل جریان‌های اسلام‌گرا در سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و دوم سرمایه‌گذاری‌های عربستان سعودی برای ترویج اسلام سلفی در کشورهای جنوب شرق آسیا به‌ویژه اندونزی و مالزی (Abuza, 2007: 18).

شبیه‌های صدور پخش

پخش سرایتی

به‌طور طبیعی محیط پخش، گاه پذیرا (دارای تجانس فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی) و گاه ناپذیر است. عوامل پذیرا موجب ایجاد زمینه‌های مساعد و هم‌گرایی و عوامل ناپذیر موجب تأثیر پذیر نبودن از پیام‌های انقلاب اسلامی و واگرایی از آن می‌شوند (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۸۸). از طرفی نباید وضعیت جغرافیایی این دولت‌ها و دوری و نزدیکی آنها با ایران انقلابی فراموش کرد، بدین معنا که هر چقدر از نظر جغرافیایی به ایران نزدیک‌تر بودند و خطر صدور انقلاب و نفوذ آن را در میان مردم خود بیشتر احساس می‌کردند مواضع سخت‌تری را اتخاذ می‌نمودند.

البته میزان تأثیر و بازتاب انقلاب اسلامی بر همه جوامع اسلامی یکسان و یکنواخت نبود بلکه با توجه به قرابت‌های فکری، فرهنگی و جغرافیایی درجه تأثیر آن متفاوت بوده است و از آنجا که این انقلاب بر پایه تعالیم دین اسلام و مکتب اهل بیت به پیروزی رسید زمینه تأثیرگذاری آن با توجه به همین امر متفاوت بود. این انقلاب بر مسلمانانی که پیرو مکتب اهل بیت بودند یعنی شیعیان جهان تأثیر فوق‌العاده

و شگفتی داشت و می‌توان ادعا کرد که جایگاه شیعیان جهان را از حاشیه و پیرامون به مرکز ثقل تحولات جهان اسلام منتقل نمود.

دولت اندونزی نیز علی‌رغم اکثریت جمعیت مسلمان اهل تسنن، ایدئولوژی سکولار دارد، و در بین مقامات دولتی، نوعی بدبینی نسبت به مسلمانان وجود دارد. از این رو است که دولت از مدت‌ها قبل، به دنبال «سیاست‌زدایی از اسلام» بوده است و از تهدید گرایش‌های اسلامی نام می‌برد و بعضاً از آن به نام «اسلام هراسی» هم تعبیر می‌شود (محمدی، ۱۳۸۵: ۵۱۵). بنابراین با توجه به اینکه یکی از پیش شرط‌های پخش سرایتی نزدیکی جغرافیایی و اشتراکات مذهبی و فرهنگی بین مبدأ و مقصد پخش می‌باشد و در رابطه با اندونزی و ایران هم به دلیل دوری جغرافیایی و قرار گرفتن کشور اندونزی در جنوب شرق آسیا و ایران در جنوب غرب آسیا و ارتباطات ضعیف، همچنین به دلیل عدم اشتراکات مذهبی و فرهنگی بین این دو، چون ایران دارای مذهب شیعه دوازده امامی و اندونزی دارای مذهب اهل تسنن (مذهب شافعی) می‌باشد. براین اساس می‌توان گفت پخش سرایتی نقشی در بازتاب انقلاب اسلامی ایران در کشور اندونزی نداشته است.

پخش جابه‌جایی

در پخش جابه‌جایی، افراد و یا گروه‌های دارای یک ایده مخصوص، به‌طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت می‌کنند و به این طریق ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش می‌یابند (روانتری، ۱۳۸۰: ۱۶۲). هرچند با اختراع و رواج پدیده‌های جدید ارتباطی، الگوی پخش جابه‌جایی تا حدودی کمرنگ شده، ولی کماکان پخش جابه‌جایی می‌تواند خود را با شرایط جدید تطبیق داده و علاوه بر روش‌های قبلی، از امکانات ارتباطی جدید نیز در سطح وسیع استفاده نماید.

دولت اندونزی هم از ابتدای انقلاب فعالیت‌هایی را در جهت محدود کردن روابط نامطلوب با ایران انجام داد و از سفر شهروندان به ایران، چه به‌عنوان دیدارهای خصوصی و چه برای دانشجویان عازم فراگیری علوم اسلامی مخالفت می‌کرد. در نخستین سال‌های پیروزی انقلاب این سیاست به‌طور غیر رسمی اجرا می‌شد. گزارش‌ها حاکی از آن است؛ شهروندانی که از ایران باز می‌گشتند، از نظر مقامات مظنون تلقی می‌شدند. با این حال از اواسط دهه ۱۳۶۰ دولت اندونزی رسماً شهروندان را از تحصیل درسی در تعدادی از کشورها منع کرد. ایران نیز در این لیست قرار داشت (روزنامه رسالت، ۱۳۹۰/۹/۶).

همچنین در سال ۱۳۶۰ در جریان پیگرد قانونی افراد متهم به بمب‌گذاری در مالانگ، ادعاهایی در مورد یک شبکه شیعی به رهبری دو واعظ مسلمان مطرح گردید. همچنین ادعا شد که یکی از این دو واعظ به ایران گریخته است. یعنی در همان جایی که وی ظاهراً در سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳ طلبه بوده است. اتهاماتی نیز مطرح بود مبنی بر اینکه مسلمانان تندرو در صدد تشکیل دولتی اسلامی طبق الگوی ایران هستند. در یک مورد معروف، «عرفان سوربهاردی» سردبیر مجله جوانان مسلمان اندونزی به نام «والرماله» به اتهام براندازی به سیزده سال حبس محکوم شد. از جمله اتهامات وی انتشار مقاله‌ای در این مجله با عنوان آیت‌الله خمینی بود. محاکمه کنندگان مدعی بودند که این مقاله به‌گونه‌ای تحریک‌آمیز

توصیه کرده: «توان مشابه انقلاب اسلامی در جهت نابودی حکومت‌های غیرمبتنی بر اسلام به کار گرفته شود و از مسلمانان سراسر جهان خواسته شود که انقلاب اسلامی را به ثمر بنشانند» (روزنامه رسالت، ۱۳۹۰/۹/۶).

پخش سلسله مراتبی

در پخش سلسله مراتبی، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل و گسترش می‌یابند. ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر یا از مرکز شهری به مرکز دیگری گسترش می‌یابد؛ بنابراین نوآوری‌ها ابتدا در طبقات بالای اجتماع و سپس در طبقات پایین‌تر منتشر می‌شود. برخی بدان «انتشار ریزشی» نیز گفته‌اند (برزگر، ۱۳۹۱: ۳۷؛ سعیدی نسب، ۱۳۹۲: ۸). بنابراین ابزارها، افراد و نهادهایی به‌طور طبیعی و یا ارادی در این رابطه عامل شیوع اندیشه واقع شده‌اند (برزگر و حسینی، ۱۳۹۲: ۱۷۹). به‌نظر می‌رسد، بالاترین سرعت انتشار در پخش سلسله مراتبی است، زیرا با پذیرش نوآوری از سوی افراد مهم، پدیده به سرعت به کل قاعده منتقل می‌شود. در مورد پخش عقاید انقلابی در اندونزی به شیوه سلسله مراتبی، می‌توان گفت هیچ شخصیت برجسته سیاسی و اجتماعی از ایده‌های انقلابی ایران الگوبرداری نکرده است. البته این بیشتر به دلیل فشارها و محدودیت‌هایی می‌باشد که دولت وقت اندونزی بر هرگونه تحریک انقلابی و سیاسی ناشی از انقلاب اسلامی اعمال می‌کرده است.

نتیجه‌گیری

نویسندگان این مقاله به دنبال بررسی چرایی بازتاب محدود انقلاب اسلامی ایران بر کشور اندونزی بر اساس نظریه پخش تورستن هاگراسترنند بوده‌اند. با بهره‌گیری از اصول و مؤلفه‌های عمده و مهم این نظریه یعنی مبدأ، مقصد، موضوع، زمان و شیوه‌های صدور پخش به این سؤال پاسخ داده‌اند. بنابراین این مقاله به دو بخش کلیدی تقسیم می‌گردد، در بخش نخست ابتدا در قالب چارچوب نظری، نظریه‌ی پخش هاگراسترنند به همراه اصول آن توضیح داده شد. در بخش دوم به دنبال اثبات فرضیه پژوهش یعنی، وجود مشکلاتی در مبدأ و مقصد پخش یعنی ایران و اندونزی مانع گسترش افکار و اندیشه‌های انقلاب شده است، براساس پنج مؤلفه نظریه هاگراسترنند (مبدأ، مقصد، موضوع، زمان و شیوه‌های صدور پخش) بوده‌ایم. در ابتدا عنصر مبدأ پخش یعنی ایران مورد بررسی قرار گرفت، در این قسمت بازه زمانی پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تاکنون یعنی دوره دوم ریاست جمهوری حسن روحانی مورد مطالعه قرار گرفته است. در نتیجه تغییر دولت‌ها در ایران، گفتمان‌های مختلف بر سیاست‌های ایران غالب شده‌اند، هر کدام از این گفتمان‌ها دیدگاه متفاوتی نسبت به جریان صدور انقلاب داشته‌اند. به‌طوری‌که بخشی از این گفتمان‌ها به دنبال صدور انقلاب در قالب الگوهای سیاسی و فرهنگی بوده‌اند و برخی دیگر به دنبال الگوی توسعه اقتصادی و افزایش مراودات تجاری با کشورهای دیگر از

جمله اندونزی هستند. بنابراین همین گفتمان یکی از عواملی است که در ایران مانع بازتاب انقلاب اسلامی در کشور اندونزی شده است.

در قسمت بعد عنصر مقصد پخش یعنی کشور اندونزی مورد تحلیل قرار گرفت، در مجموع عوامل وجود ایدئولوژی شیعی در انقلاب اسلامی ایران، عدم وجود رهبران برجسته و به قدرت رسیدن نظامیان در اندونزی، از موانع بازتاب محدود انقلاب اسلامی ایران در این کشور دانسته شده است. در قسمت بعد به عنصر سوم یعنی زمان پخش پرداخته شده. از این رو، تنها در نخستین دهه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی ایران بازتاب آن در کشور اندونزی تا حدودی پر رنگ بوده است و پس از آن به تدریج، با گذشت زمان شعاع این اثرات محدودتر شده است. تا جایی که دیگر سیاستمداران کشور به جای صدور انقلاب به اندونزی در پی توسعه روابط اقتصادی با این کشور بوده‌اند. در قسمت بعدی عنصر موضوع پخش مورد بررسی قرار گرفت و براساس مطالعات صورت گرفته، می‌توان مصادیقی از جلوه‌های تأثیرپذیری اجتماعی اندونزی از انقلاب اسلامی را در رفتارهای مذهبی از جمله گرایش به حجاب اسلامی در میان زنان و افزایش اقبال عمومی نسبت به فرائض دینی مشاهده کرد. اما این تحركات اجتماعی، فکری و فرهنگی بیشتر در سال‌های اولیه‌ی انقلاب نمود بیشتری داشت و با گذشته یک دهه از عمر انقلاب اسلامی از شدت این تحركات کاسته شد و روابط دو کشور در سطح دولت‌ها و بیشتر در حوزه اقتصادی و تجارت پیگیری شد. در نتیجه این خود یکی از علل بازتاب محدود انقلاب اسلامی ایران در کشور اندونزی می‌باشد.

در پایان نیز به آخرین مؤلفه نظریه پخش یعنی شیوه‌های صدور پخش به‌عنوان آخرین عاملی که مانع بازتاب انقلاب اسلامی ایران در کشور اندونزی شده، پرداخته شد و در این قسمت دوری جغرافیایی و قرار گرفتن کشور اندونزی در جنوب شرق آسیا و ایران در جنوب غرب آسیا و ارتباطات ضعیف، همچنین به دلیل عدم اشتراکات مذهبی و فرهنگی بین این دو کشور، چون ایران دارای مذهب شیعه دوازده امامی و اندونزی دارای مذهب شافعی می‌باشد و همچنین عدم الگوبرداری شخصیت‌های برجسته سیاسی و اجتماعی اندونزیایی از ایده‌های انقلابی ایران را علل دیگر بازتاب محدود انقلاب اسلامی ایران در اندونزی می‌دانند.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و بذرافشان، جواد (۱۳۸۶)، «مدل پخش فضایی هاگراستراند و پخشایش فضای زعفران در خراسان»، مجله جغرافیا و توسعه، ۷۵-۵۷.
- ابوطالبی، علی (۱۳۷۸)، «حقوق قومی، اقلیت‌ها و همگرایی»، ترجمه علی کریمی مله، فصلنامه مطالعات ملی، سال اول، شماره ۲ و ۳.

- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، *سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی*، مترجمان ابراهیم متقی و زهره پوستین چی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- احمدوند، شجاع (۱۳۸۸)، «بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی ایران و انقلاب ساندنیستی نیکاراگوئه»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۴، ۷-۴۴.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۸)، «تنش‌زدایی در سیاست خارجی، مورد جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم.
- اسپوزیتو، جان ال (۱۳۸۶)، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، مترجم محسن مدیر شانه‌چی، تهران: انتشارات باز. - اسدی، بیژن (۱۳۸۷)، *سیاست خارجی دولت اصلاحات: موفقیت‌ها و شکست‌ها*، تهران: انتشارات باز.
- امیری، عبدالله (۱۳۸۵)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر علوم نوین.
- باقری دولت آبادی، علی و شفیعی، محسن (۱۳۹۳)، *از هاشمی تا روحانی، بررسی سیاست خارجی ایران در پرتو نظریه سازه‌نگاری*، تهران: انتشارات تپسا.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲)، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، دو فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال پنجم، شماره ۸، ۷۲-۳۹.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۱)، *نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق.
- برزگر، ابراهیم، حسینی، سید محمد صادق (۱۳۹۲)، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر عربستان سعودی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳، ۱۸۸-۱۷۳.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۷)، *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جردن، تری و راونتری، لستر (۱۳۸۰)، *مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی*، مترجم سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.
- جمال‌زاده، ناصر (۱۳۹۱)، «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه‌ی صدور فرهنگی انقلاب»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴، ۸۶-۶۱.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۷۸)، *انقلاب اسلامی ایران و اسلام سیاسی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- خواجه سروی، غلامرضا و رحمنی، مریم (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در عراق»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳، ۵۸-۲۹.
- دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۸)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- رحمانی، محمدجواد (۱۳۹۱)، «تأثیر انقلاب اسلامی بر حزب النهضه تونس با تأکید بر افکار حضرت امام خمینی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸، ۲۳۲-۲۱۵.
- رزگر، ابراهیم (۱۳۸۸)، «پیش‌بینی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر خاورمیانه»، فصلنامه دانش سیاسی، سال پنجم، شماره ۱، ۵۷-۳۳.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶)، *توسعه و تضاد*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ چهارم.
- روزنامه رسالت، ۱۳۹۰/۹/۶.
- سعیدی نسب، تورج (۱۳۹۲)، «راه‌های گسترش و نفوذ اسلام در اسناد عصر اموی»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

- سلطانی‌نژاد، محمد (۱۳۹۴)، «مناسبات ایران و کشورهای جنوب شرق آسیا (۱۳۸۱-۱۳۹۲): سنجش نگاه به شرق، فصلنامه روابط خارجی»، سال هفتم، شماره ۳، ۳۱-۷.
- شکویی، حسین (۱۳۸۱)، *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*، تهران: انتشارات گیتاشناسی، چاپ پنجم.
- صدوقی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا سال ۱۳۶۸*، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فلاح زاده، محمدهادی و منیری، حمیدرضا (۱۳۹۴)، «حج ابراهیمی و صدور انقلاب اسلامی (فرصت‌ها و موانع)»، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۳، ۱۷۸-۱۵۹.
- فولر، گراهام (۱۳۷۳)، *قبله عالم ژئوپلیتیک ایران*، مترجم عباس مخیر، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- کامران، حسن؛ متقی، افشین؛ میر احمدی، فاطمه سادات و غلامی، بهادر (۱۳۹۲)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان پاکستان بر اساس نظریه پخش»، فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، سال یازدهم، شماره ۳۷، ۹۵-۷۱.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۵)، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مرتضوی امامی زواره، سیدعلی و جمالی، سارا (۱۳۹۴)، «ایران و اندونزی: مشابهت‌ها، تفاوت‌ها و بازتاب انقلاب اسلامی»، فصلنامه حقوق ملل، سال پنجم، شماره ۱۸، ۴۳۵-۴۵۵.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵)، *صحیفه امام*، جلد ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نظری، مرتضی (۱۳۹۵)، «فرهنگ و اندیشه؛ روابط فرهنگی ایران اسلامی و اندونزی»، فصلنامه علوم سیاسی و فرهنگ اسلامی، شماره ۴۴-۴۵، ۲۹۱-۲۶۹.
- الهیاری، فریدون؛ کریمی، زینب و بیطرفان، رضا (۱۳۹۲)، «بررسی و تحلیل روند ورود و گسترش اسلام در اندونزی»، فصلنامه علمی- ترویجی خوارزمی، سال اول، شماره ۱، ۲۰-۱.
- Abuza, Z. (2007), *Political Islam and violence in Indonesia*. London and New York: Routledge.
- Bakhshayesh ARDESTANI, A. (2000), *The Principles of The Islamic Republic of Iran's Foreign Policy*. Tehran: Ava-Ye-Noor Publications.
- Hagerstrand, T. (1968), *Innovation Diffusion As a Spatial Process* University of Chicago Press.
- Hunter, S. (2010), *Iran's foreign policy in the post-Soviet Era*. California: Praeger.
- *Indonesia-Iran foreign relations*. IranTracker. 2010a. www.irantracker.org/foreign-relations/indonesia-iran-foreign-relations (accessed 12 August 2015).
- Keddi, Nikki (1995), *Iran and the Muslim Word: Resistance and Revolution*, London, Macmillan.
- Porter, Donald. (2002), *Managing Politics and Islam in Indonesia*, London and New York: Routledge Curzon.
- Rezaee, A. (2009), "Analysis of the Islamic Republic of Iran's Foreign Policy in Light of The International Relations Theories". *Rahbord-E-Yas* 17: 260-288.
- Smock, David. (2005), *Applying Islamic Principles in the Twenty-first Century Nigeria, Iran, and Indonesia*. United States Institute of Peace, Washington, DC.
- www.irna.ir/news/8246442424/ ۲۴ اسفند ۱۳۹۵ رضایمان یغمایی